

## استنباط اصول آموزشی و تربیتی حرفه معلّمی

### از کاربردهای واژه «حیات» در قرآن کریم

مهدیه کشانی

m.keshani@cfu.ac.ir

استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

| اطلاعات مقاله                                                                                                 | چکیده                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p>نوع مقاله<br/>علمی - پژوهشی<br/>صفحه<br/>(۱۱۵-۸۹)<br/>دریافت:<br/>۱۴۰۴/۰۷/۱۶<br/>پذیرش:<br/>۱۴۰۵/۰۲/۲۶</p> | <p>نگاه به کلیدواژه‌های قرآنی از منظر تربیتی، رویکردی است که می‌تواند زمینه فهم و استنباط مبانی و اصول تعلیم و تربیت را فراهم نماید. کلیدواژه «حیات» ازجمله واژگان پرتکرار قرآنی است که تبیین الگوی کاربرد آن در قرآن و فهم تعابیر مرتبط با آیاتی که این کلیدواژه در آن‌ها به کار رفته است، می‌تواند راهگشای برخی اصول آموزشی و تربیتی برای حرفه معلّمی باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر قصد دارد در راستای استنباط اصول یادشده، به واژه «حیات» در قرآن، نظری تربیتی بیندازد. برای دستیابی به این منظور و به دلیل چندوجهی بودن مقاله حاضر، روش پژوهش ترکیبی از مراحل پدیدارشناسی توصیفی در مرحله رجوع به آیات قرآن، تحلیل و کدگذاری داده‌ها به شیوه استراتژی داده‌بنیاد با نرم‌افزار مکس کیودا (MAXQDA) در سه بخش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی و تحلیل محتوای کیفی به شیوه استقرایی در بخش دلالت‌های تربیتی برای حرفه معلّمی است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که الگوی نظری واژه «حیات» در قالب شش دسته «مراحل حیات»، «مراتب حیات حقیقی»، «راه شناخت حیات»، «عوامل حیات بخش»، «ویژگی‌های حیات» و «ثمرات دقت در حیات» تقسیم‌پذیرند که هر دسته به زیرمجموعه‌های جزئی‌تر تقسیم می‌شود. همچنین پنج اصل آموزشی و تربیتی از این الگوی نظری و مفهومی برای حرفه معلّمی قابل استخراج است که شامل این موارد می‌شود: لزوم توجه به پرسش ذهنی، پاسخ به پرسش ذهنی از طریق الگوی عینی، شناخت و معرفت از طریق متضادها، توجه‌دهی به مراتب حیات و نیت‌مندی و هدفمندی حیات.</p> |
| کلیدواژه‌ها                                                                                                   | حیات، قرآن، اصول آموزشی، اصول تربیتی، معلّم.                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             |

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

«حیات» به معنای زندگی در مقابل مرگ است (ابن منظور، ۱۳۷۵: ۴۲۴/۳) و در موارد مختلف به کار می‌رود: ۱. قوه نامیه‌ای که در نباتات و حیوانات وجود دارد؛ ۲. قوه حس‌کننده‌ای که ملاک حیوانیت حیوان است؛ ۳. قوه عاقله؛ ۴. حیات اخروی ابدی که عقل و علم است؛ ۵. حیاتی که خداوند بدان وصف می‌شود و معنایش این است که مرگ و نیستی برای او نیست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۶۸). در این نوشتار، معنای عام «حیات» که شامل حیات دنیوی، اخروی، مادی و معنوی است، مقصود می‌باشد و به واژه‌ها و مشتقات «حیات» پرداخته شده است. بی‌گمان همان‌گونه که در نگاه و رویکرد کلی به قرآن می‌توان نکات و مبانی تربیتی برای زندگی انسان استخراج نمود، در نگاه خرد و با توجه به استخراج الگوی کلمات قرآنی و دسته‌بندی و نظم‌دهی به آن‌ها می‌توان در راستای تربیت حیات‌بخش برای انسان گام برداشت. به همین منظور واژه «حیات» به معنای زنده بودن و در مرتبه بالاتر به معنای حیات معنوی داشتن - که از جمله کلمات پرتکرار قرآنی است - با رویکردی تربیتی بررسی شده است.

کلمه «اصل» به معانی گوناگون به کار می‌رود. این کلمه در لغت به معنای بن، اساس، ریشه، بنیان، جوهر و مبنا می‌باشد (میرزایی، ۱۳۸۸: حرف «الف»). در اصطلاح نیز معانی متفاوتی از این کلمه مد نظر است. می‌توان گفت که در هر قلمروی از دانش، اصل معنایی متناسب با آن قلمرو دارد. در حوزه تعلیم و تربیت، مقصود از اصول، قواعدی است که می‌توان آن را نوعی دستورالعمل کلی و راهنمای عملی تدابیر تربیتی دانست (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۸: ۵۵). بر همین اساس و با توجه به مبانی نظری و شناختی که در قرآن و در ارتباط با واژه «حیات» و الگوی کاربرد آن وجود دارد، می‌توان اصولی را برای آموزش و تربیت در راستای حرفه معلّمی استنباط کرد که علاوه بر کمک نمودن به وظایف معلّم در تربیت، می‌تواند به عنوان راهبردهای کلی در تعلیم و تربیت مورد استناد قرار گیرد. باید اذعان نمود نگاه به حرفه معلّمی از دریچه مبانی قرآنی می‌تواند اتکایی متقن و مستحکم در زمینه فعالیت‌های آموزشی و تربیتی باشد. به عبارتی کار معلّمی زمانی ثمربخش است که

فعالیت‌ها و وظایف مرتبط با آن، با نگاه به مبانی علمی و دینی به صورت توأمان باشد. بدین سان، مسئله پژوهش حاضر این است که بر اساس الگوی نظری و مفهومی کلیدواژه «حیات»، دلالت‌های آموزشی و تربیتی برای حرفه معلمي در راستای تربیت نسل‌های آینده استخراج و استنباط شود. با توجه به این مقدمات، می‌توان در باب ضرورت سنجی نوشتار حاضر، به موارد زیر اشاره کرد:

- ✓ نگاه تربیتی به قرآن با هدف استنباط اصول آموزشی و تربیتی برای حرفه معلمي؛
- ✓ نگاه خُرد به کلیدواژه «حیات» در قرآن و استخراج الگوی نظری و مفهومی مرتبط با آن؛
- ✓ استنباط اصول تربیتی و آموزشی برای حرفه معلمي بر اساس الگوی استخراج‌شده از کلیدواژه «حیات» در قرآن؛
- ✓ توجه به توانمندسازی مبانی تربیت در کار معلمي بر اساس گزاره‌های استخراج‌شده از مبانی دینی؛
- ✓ توجه به استخراج رویکردهای کلان نظری و مفهومی قرآنی از رهگذر نگاه به رویکردهای خُرد در مقیاس کلیدواژه‌های خاص؛
- ✓ استنباط و تبیین ارتباط گزاره‌های درون تربیتی در محیط کلاسی از مبانی دینی.

## ۲. اهداف و سؤالات پژوهش

پژوهش حاضر می‌کوشد با نگاهی جامع به تمام آیات قرآن در ارتباط با کلیدواژه حیات، الگوی نظری و مفهومی مرتبط با این کلیدواژه را استخراج نماید تا از این رهگذر اصول آموزشی و تربیتی در راستای وظایف حرفه معلمي را استنباط کند. با این وصف، سؤالات پژوهش حاضر بدین شرح می‌باشد:

۱. الگوی نظری و مفهومی کلیدواژه «حیات» در قرآن چیست؟
۲. بر اساس الگوی نظری و مفهومی «حیات» در قرآن، چه اصول آموزشی و تربیتی را در حرفه معلمي می‌توان استنباط کرد؟

### ۳. پیشینه پژوهش

پژوهشگران و نویسندگان همواره به مطالعه در زمینه کلیدواژه‌های قرآنی اهتمام داشته‌اند، هرچند نگاه به کلیدواژه «حیات» در قالب استخراج الگوی نظری و مفهومی آن، رویکردی است که کمتر بدان توجه شده است. همچنین تحقیق درباره ارتباط کلیدواژه «حیات» و اصول آموزشی و تربیتی، موضوعی است که هیچ تحقیقی درخصوص آن صورت نگرفته است. با توجه به این موضوع و پس از بررسی پیشینه پژوهش، می‌توان به تألیفات زیر که ارتباط مستقیم‌تری با موضوع تحقیق حاضر دارند، اشاره کرد:

از دیدگاه کریم‌پور قراملکی (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی مبانی قرآنی حیات طیبه»، عملیاتی شدن حیات طیبه به برخی پایه‌های نظری و روحی و رفتاری قرآنی، همچون باورمندی به توحید، نبوت، معاد، میل به زیبایی و درهم‌تنیدگی دنیا و آخرت نیاز دارد که بدون ملاحظه آن‌ها، حیات طیبه در جامعه انسانی محقق نخواهد شد. درواقع، موارد یادشده از زیرساخت‌هایی شناخته می‌شوند که بنای حیات طیبه بر روی آن‌ها امکان‌پذیر است.

سلمانی‌پور گمچی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «حیات معنوی از دیدگاه قرآن و اندیشمندان اسلامی» بیان می‌دارند که از نظر قرآن، حیات معنوی در سایه انجام دستورات الهی، بازگشت به سوی خدا و اسوه قرار دادن پیامبر اکرم ﷺ در زندگی، پرورش اخلاقی و در پرتو توفیق الهی شکل می‌گیرد. به طور کلی ارتقای معرفت الهی، تقویت ایمان و تقوا، تبعیت از پیامبر اسلام ﷺ به عنوان اسوه حسنه، ایجاد انگیزه برای رشد معنویت اصیل دینی، پرورش فضایل اخلاقی و مبارزه با رذایل، برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت است.

کیایی (۱۴۰۱) در مقاله «تبیین مؤلفه‌های کانونی حیات در آیات ۱۶۹ و ۱۷۰ سوره آل عمران مبتنی بر قرینه انسجام» بیان می‌دارد در آیات ۱۶۹ و ۱۷۰ سوره آل عمران، وضعیت شهیدان در نشئه برزخی تشریح شده است. در این راستا، ابتدا بر «حیات» داشتن آن‌ها تأکید شده، سپس شاخصه‌های دیگری در وصف موقعیت آنان یاد می‌شود. با توجه به قرینه «انسجام» که به نوعی رابطه میان کلمات و جملات متن دلالت دارد، به نظر می‌رسد می‌توان این مؤلفه‌ها را در راستای تبیین شاخصه‌های حیات قلمداد نمود. از جمله این شاخصه‌ها

«شادمانی» است که با توجه به تقدم ذکر آن، شاید بتوان آن را به عنوان مؤلفه محوری حیات تلقی کرد.

از دیدگاه عباس آباد عربی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی مفهوم و مصادیق حیات در قرآن و حکمت متعالیه»، بسیاری از آیات قرآن به تسبیح عمومی همه موجودات اشاره می کنند؛ تسبیحی که برای انسان فهم پذیر نیست. محتوای این آیات نشان دهنده آن است که همه موجودات دارای آگاهی و حیات اند؛ آگاهی و حیاتی که ملاصدرا توانست آن را با اصول فلسفه خود اثبات کند.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می دهد نوشتار حاضر در بخش های زیر رویکرد و نگاه نوآورانه داشته است:

- ✓ نگاه و زاویه جدید به واژه «حیات» از دریچه فهم الگوی نظری و مفهومی آن و دسته بندی الگوی نظری فوق بر اساس مفاهیم مطرح شده در آیات مربوط به کلیدواژه «حیات» و مشتقات آن؛
- ✓ تبیین اصول تربیتی و آموزشی برای حرفه معلّمی از نگاه و رویکرد تربیتی به مقوله «حیات» در قرآن.

#### ۴. روش پژوهش

تحقیق حاضر با توجه به چندوجهی بودن آن، ترکیبی از روش های کیفی گردآوری، تحلیل و کدگذاری داده ها را به کار گرفته است. در بخش نخست، داده های به دست آمده با استفاده از نرم افزار MAXQDA نسخه ۱۲-۳ PORO تحلیل گردید. این شیوه در گذشته به صورت کاملاً سنتی و دستی انجام می شد؛ اما در این پژوهش، راهبرد پدیدارشناسی توصیفی در سه بخش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شد. در این شیوه ابتدا رمزهای مناسب به بخش های مختلف اختصاص می یابد که به آن، کدهای اولیه گفته می شود. آیات استخراج شده، همان دسته بندی کدهای اولیه است که با هم ارتباط دارند؛ اما این دسته بندی به دو صورت انجام می شود. اول: چند کد اولیه در یک دسته قرار گرفته، یک نام جدید می گیرند. دوم: چند کد اولیه زیرمجموعه یک کد دیگر قرار

می‌گیرند که آن‌ها را دربردارند؛ بنابراین مجموعه مختلفی از کدهای در کنار هم، مقوله اصلی یا مقولات فرعی را تشکیل می‌دهند که به این بخش، کدگذاری باز گفته می‌شود. سپس کدگذاری محوری باید صورت گیرد. درواقع، کد محوری نقش سازه را در تحقیقات ایفا می‌کند و با توجه به نظر چارمز<sup>۱</sup>، کد محوری عبارت است از مجموعه‌ای از مقولات که با یکدیگر رابطه دارند و زیرمجموعه یک نام جدید یا زیرمجموعه یک مقوله کلی‌تر می‌باشند (چارمز، ۲۰۱۴). در ادامه، نرم‌افزار مذکور با یافتن پیوندهای میان مقولات به رمزگذاری محوری اقدام می‌کند و درنهایت، کدهای نهایی در قالب همین مقوله‌ها تعیین می‌شوند که به آن، کدگذاری انتخابی می‌گویند. درواقع با رمزگذاری انتخابی، مقوله‌ها پالایش می‌شوند و با طی این فرایندها درنهایت، چهارچوب نظری پدیدار می‌شود (کوربین و استراوس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰: ۱۲). در مرحله کدگذاری انتخابی، الگوی کاربرد واژه «حیات» در قرآن، در قالب شش دسته اصلی به دست آمد.

در مرحله بعد، مطالعه تطبیقی کدهای محوری و باز به هدف استخراج اصول تربیتی، به روش تحلیل محتوای کیفی و به شیوه استقرایی انجام شد. مراحل این روش و چگونگی استفاده از آن توسط محققان، بدین شرح می‌باشد:

۱. تعیین واحد تحلیل: واحد تحلیل، شخص یا چیزی است که تحلیل براساس آن انجام می‌گیرد. رایج‌ترین واحدی که پژوهشگران در تحلیل محتوای کیفی از آن استفاده می‌کنند، مضمون است (مؤمنی‌راد، ۱۳۹۲: ۲۰۳-۲۰۴)؛ یعنی معنای خاص برگرفته از یک کلمه، جمله یا بند (معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۶). در این پژوهش نیز از مضمون به عنوان واحد تحلیل استفاده شد.

۲. ایجاد نظام مقوله‌بندی: مقوله‌های پژوهش حاضر بر اساس نظام استقرایی شکل گرفتند. در نظام استقرایی، ابتدا مقولات مشخص و بر اساس آن، داده‌ها، مرحله به مرحله از متن استخراج می‌شوند (Mayering, 2014: p. 81).

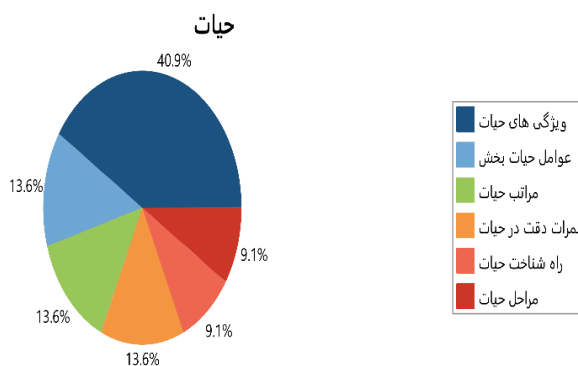
1. Charms.  
2. Corbin & Strauss.

۳. تحلیل و استنباط از متن: در این مرحله، پژوهشگر ادراکات خود را از محتوای داده‌ها با نگاهی عمیق بررسی می‌کند تا دلالت‌های ضمنی آن را استنباط نماید (2002: p. 184: Jensen & Jankowski).

## ۵. یافته‌های آماری و توصیفی تحقیق

در تحقیق حاضر، کدهای بازاستخراج شده از قرآن در قالب جداول و نمودارهای تصویری با استفاده از نرم افزار مکس کیودا، ارائه شده است. این شیوه کدگذاری و نمودارسازی، فهم مطالب و گونه‌ها را برای محققان راحت‌تر می‌نماید. در پژوهش حاضر ابتدا تمامی آیات دارای واژه «حی» و مشتقات آن بررسی شد، آن‌گاه آیاتی که مفهوم و عبارات مشابه داشتند، حذف گردیدند، سپس الگوی نظری بقیه آیات استخراج شد. منظور از الگوی نظری، دسته‌بندی آیات مرتبط در یک دسته کلی، و بررسی ارتباط آن‌ها می‌باشد. پس از آن، جدول الگوی مفهومی آیات در پایان این بخش ارائه گردیده است. درنهایت داده‌های تحقیق در قالب دو جدول و دو نمودار تصویری ارائه شده است.

نمودار ۱: نمودار دایره‌ای مقایسه‌ای داده‌های نظری واژه «حیات»



جدول ۱: الگوی نظری واژه «حیات» در قرآن بر اساس ماتریکس مکس

| Code System        |  |
|--------------------|--|
| حیات               |  |
| راه شناخت حیات     |  |
| استدلال منطقی      |  |
| عناصر مادی         |  |
| داستان             |  |
| مراحل حیات         |  |
| پیش از دنیا        |  |
| دنیا               |  |
| برزخ               |  |
| آخرت               |  |
| مراتب حیات         |  |
| مادی               |  |
| معنوی (طبیعه)      |  |
| عقلی               |  |
| اجتماعی            |  |
| عوامل حیات بخش     |  |
| مادی               |  |
| قصاص               |  |
| آب                 |  |
| معنوی              |  |
| عقلانیت            |  |
| عمل صالح           |  |
| هدایت و ایمان      |  |
| حقیقت گرایی        |  |
| ویژگی های حیات     |  |
| عمومی              |  |
| در پد قدرت خداوند  |  |
| سوال برانگیز       |  |
| هدفمندی            |  |
| عدم یکسانی         |  |
| تکرارپذیری         |  |
| دنیا               |  |
| نیت پذیر           |  |
| ارزشمند            |  |
| محل آزمایش و عمل   |  |
| فریبنده            |  |
| سرگرمی و بازی      |  |
| آخرت               |  |
| نیازمند عمل پیشینی |  |
| واقعی و ابدی       |  |
| ثمرات دقت در حیات  |  |
| شکرگزاری           |  |
| ایمان              |  |
| اندیشه ورزی        |  |
| شناخت صفات خداوند  |  |



|   |                  |               |                                                                                                                                                                                                          |
|---|------------------|---------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|   |                  |               | از مرد و زن، هر کس کار شایسته انجام دهد درحالی که مؤمن است، مسلماً او را به زندگی پاک و پاکیزه‌ای زنده می‌داریم (نحل/۹۷)                                                                                 |
| ۳ | راه شناخت «حیات» | داستان        | آیا کسی که [از نظر عقلی و روحی] مرده بود و ما او را [به وسیله هدایت و ایمان] زنده کردیم، و برای وی نوری قرار دادیم... (انعام/۱۲۲)<br>تا کسانی را که [به عقل و هوش و استعداد] زنده اند، هشدار دهد (یس/۷۰) |
|   |                  | اجتماعی       | ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص مایه زندگی است (بقره/۱۷۹)                                                                                                                                                |
|   |                  | عناصر مادی    | پس گفتیم: پاره‌ای از آن [گاو ذبح شده] را به مقتول بزنید [تا زنده شود و قاتل را معرفی کند]. خدا مردگان را این گونه زنده می‌کند (بقره/۷۳)                                                                  |
|   |                  |               | [مثل دانه:] بی تردید خدا شکافنده دانه و هسته است؛ زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و بیرون آورنده مرده از زنده است. این است خدا؛ پس چگونه [از حق] منصرفتان می‌کنند؟ (انعام/۹۵)                             |
| ۴ | عوامل حیات بخش   | استدلال منطقی | [مثل زمین:] زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد، و زمین را پس از مردگی اش زنده می‌کند و این گونه [از گورها] بیرون آورده می‌شوید (روم/۱۹).                                      |
|   |                  | مادی          | بگو: همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد، زنده اش می‌کند (یس/۷۹)                                                                                                                                      |
|   |                  |               | و هر چیز زنده‌ای را از آب آفریدیم (انبیاء/۳۰)                                                                                                                                                            |
|   |                  |               | ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص مایه زندگی است                                                                                                                                                           |



|                                                                                                                                                                                                                                         |             |      |  |  |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------|------|--|--|
| می‌کنند؟... و [یاد کنید]<br>هنگامی که ابراهیم گفت:<br>پروردگارا! به من نشان ده که<br>مردگان را چگونه زنده<br>می‌کنی؟ (بقره/۲۵۹ و ۲۶۰)                                                                                                   |             |      |  |  |
| آن که مرگ و زندگی را آفرید تا<br>شما را بیازماید که کدامتان<br>نیکوکارترید (ملک/۲)                                                                                                                                                      | هدفمندی     |      |  |  |
| و زندگان و مردگان هم<br>یکسان نیستند (فاطر/۲۲)<br>آیا کسانی که مرتکب گناهان<br>شدند، گمان دارند آنان را<br>مانند کسانی که ایمان آورده<br>و کارهای شایسته انجام<br>داده‌اند، قرار می‌دهیم که<br>زندگی و مرگشان یکسان<br>باشد؟ (جاثیه/۲۱) | عدم یکسانی  |      |  |  |
| می‌گویند: پروردگارا! دو بار ما<br>را میراندی و دو بار زنده<br>کردی (غافر/۱۱)<br>و اوست خدایی که شما را<br>اول بار زنده کرد و دیگر بار<br>بمیراند و باز دوباره زنده کند<br>(حج/۶۶)                                                       | تکرار پذیری |      |  |  |
| بگو: مسلماً نماز و عبادتم و<br>زندگی کردن و مرگم برای خدا<br>پروردگار جهانیان است<br>(انعام/۱۶۲)                                                                                                                                        | نیت پذیر    | دنیا |  |  |

|   |                     |          |                                                                |                                                                                                                                                                             |
|---|---------------------|----------|----------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|   |                     |          | ارزشمند                                                        | و هر کس انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی همه انسان‌ها را زنده داشته است (مائده/۳۲)                                                                                |
|   |                     |          | محل آزمایش و عمل                                               | خدایی که مرگ و زندگانی را آفرید تا شما [بندگان] را بیازماید که کدامتان نیکوکارتر [و خلوص اعمالش بیشتر] است (ملک/۲) و مرا تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است (مریم/۳۱) |
|   |                     |          | سرگرمی و بازی                                                  | و این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازی نیست (عنکبوت/۶۴)                                                                                                                          |
|   |                     |          | فریبنده                                                        | گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیای ما نیست (جاثیه/۲۴)                                                                                                          |
|   |                     | آخرت     | نیازمند عمل پیشینی                                             | ای کاش برای این زندگی‌ام [عبادت خالصانه و کار نیک] پیش فرستاده بودم (فجر/۲۴)                                                                                                |
|   |                     |          | واقعی و ابدی                                                   | بی‌تردید سرای آخرت، همان زندگی [واقعی و ابدی] است (عنکبوت/۶۴)                                                                                                               |
| ۶ | ثمرات دقت در «حیات» | شکرگزاری | سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم تا سپاسگزاری کنید (بقره/۵۶) |                                                                                                                                                                             |
|   |                     | ایمان    | چگونه به خدا کفر می‌ورزید درحالی‌که [پیش                       |                                                                                                                                                                             |

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       |                         |  |  |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------|--|--|
| از دمیده شدن روح به کالبدتان ترکیبی از عناصر [مرده بودید، پس شما را حیات بخشید (بقره/۲۸)]                                                                                                                                                                                                                             |                         |  |  |
| و اوست که حیات می دهد و می میراند... آیا نمی اندیشید؟ (مؤمنون/۸۰)                                                                                                                                                                                                                                                     | اندیشه ورزی             |  |  |
| نشانه های [قدرت و ربوبیت] خود را به شما نشان می دهد، تا بیندیشید (بقره/۷۳)<br>آیا چنین نیرومند آگاهی توانا نیست که مردگان را زنده کند؟ (قیامت/۴۰)<br>پس با تأمل به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مردگی اش زنده می کند. بی تردید این [خدای قدرتمند] زنده کننده مردگان است و او بر هر کاری تواناست (روم/۵۰) | شناخت<br>صفات<br>خداوند |  |  |

درباره جدول، این نکته نیازمند توضیح است که چهارچوب «مراتب حیات» در قرآن کریم بر یک مقسم واحد و فراگیر استوار است که همان «حیات حقیقی» یا «زیستن آگاهانه و هدفمند» باشد. مراتب چهارگانه یادشده، نه تقسیمات مستقل، بلکه وجوه و ابعاد متفاوت تحقیق همین حیات واحد در ظرف وجود انسان می باشند. اگر حیات مادی (همانند زنده کردن جسم مرده) پایه و بستر لازم برای ظهور هر نوع حیات دیگری باشد، حیات معنوی (نور و پاکیزگی ناشی از ایمان) غایت و روح این بستر است. حیات عقلی نیز ابزار اصلی ادراک و تشخیص مسیر حق از باطل در این سفر است، همان گونه که آیه هفتاد سوره یس به زندگان عاقل هشدار می دهد و درنهایت، حیات اجتماعی (که در قصاص به عنوان مایه بقای نظم جامعه متبلور می شود) زمینه عملی و تعاملی است که در آن، تحقق ایمان و اعمال عقلانی، جامعه را از مرگ ناشی از ظلم و تباهی باز می دارد؛ بنابراین، مقسم مشترک، مفهوم «حیات اصیل» است که بر اساس آیات، نیازمند ابعاد زیست شناختی (مادی)، معرفتی (عقلی)، اخلاقی - معنوی و تعاملی (اجتماعی) است. این ابعاد، اگرچه از حیث کارکرد و نحوه ظهور متفاوت اند، در ساختار مفهومی حیات

اصیل با یکدیگر ارتباط داشته، در مجموع، صورت‌های گوناگون تحقق حیات حقیقی انسان را شکل می‌دهند.

## ۶. اصول آموزشی و تربیتی برخاسته از واژه حیات

دین برای تربیت انسان آمده است و نگاه به محتوای دینی برای استنباط اصول تربیتی می‌تواند گامی در همین راستا باشد. به صورت جزئی‌تر این امر می‌تواند از طریق تحلیل کلیدواژه‌های قرآنی با هدف استنباط اصول آموزشی و تربیتی برای حرفه معلمی صورت گیرد؛ از این رو چنین تحلیلی اساساً هدف و مقصود دینی و تربیتی دارد. سودمندی این امر در اتقان تکیه‌گاه نظری است که برای تربیت فراهم می‌نماید و معلم می‌تواند در عمل از راهکارهایی در کار خود بهره‌مند گردد که اعتبار مبنایی آن بر اساس الگوی وحیانی پایه‌ریزی شده است. بر همین اساس و پس از فهم الگوی نظری و مفهومی واژه «حیات» و بررسی دسته‌بندی آیات مرتبط با این واژه و مفاهیمی که در این آیات به کار رفته است، اصول آموزشی و تربیتی زیر قابل ارائه است. تفکیک اصول آموزشی و تربیتی به سبب رابطه تنگاتنگ این دو واژه و در هم تنیده بودن عملکردهای نظری و عملی آن، کاری دشوار می‌نماید. به همین دلیل در ادامه این اصول به صورت مشترک آورده شده است؛ گرچه از میان این اصول، سه اصل اول بیشتر جنبه آموزشی و دو اصل آخر بیشتر جنبه تربیتی دارند.

### ۶-۱. اصل لزوم توجه به پرسش ذهنی

در الگوی مفهومی مرتبط با کلیدواژه «حیات» در قرآن، هرگاه پرسشی درباره اصل حیات و چگونگی زنده شدن پس از مرگ به میان می‌آید، در آیات بعد به این پرسش به شکلی از جانب خداوند پاسخ داده می‌شود. این موضوع، مبین دو اصل ابتدایی در تعلیم و تربیت است:

اول: طرح پرسش‌ها در منبع وحی از جانب اشخاص مختلف نشان می‌دهد که به صورت کلی طرح پرسش در این رابطه نه تنها بلامانع بوده، بلکه خداوند به عنوان خالق

انسان به این نوع پرسشگری بها داده و ارزش قائل است.

دوم: پرسش‌های مطرح شده هیچ‌گاه بی جواب نمانده، بلافاصله در آیات بعد پاسخ آن‌ها مطرح می‌شود.

توجه به این الگو برای معلّم و فهم اصول آموزشی و تربیتی مرتبط با آن می‌تواند راهگشای رویکردهای حرفه معلّمی قرار گیرد.

گرچه امر پرسشگری و کاربرد الگوی آن در کلاس، در روندهای تربیتی بسیار مورد توجه قرار گرفته و این رویکرد در تعلیم و تربیت به عنوان اصول نظری ابتدایی مطرح می‌شود، نگاه به الگوی قرآنی آن در ارتباط با کلیدواژه «حیات» دارای نکات ظریفی است که باید در کاربرد الگوی پرسشگری در کلاس مورد توجه معلّم قرار گیرد:

نخست: خداوند در قرآن پرسش‌های گذشتگان درباره مرگ و حیات و داستان‌های مربوط به آن را مطرح می‌نماید. این نکته؛ یعنی ارزشمندی امر پرسشگری ایجاب می‌کند که معلّم فرصت ایجاد پرسش ذهنی را به فضای کلاس بدهد. به عبارتی تنها به این موضوع اکتفا ننماید که هرگاه پرسشی پیش آمد، اجازه طرح داشته باشد، بلکه فرصت و زمانی اختصاص داده شود تا فراگیر (متربی) به پرسش‌های ذهنی خود فکر کند. این الگو در شیوه‌های روزآمد تربیتی جای خود را باز نموده است و می‌تواند به عنوان الگوی عام در کلاس درس مورد استفاده قرار گیرد؛ مانند رویکردی که در برنامه فلسفه برای کودکان در قالب طرح پرسش‌های ذهنی در مورد محرک ارائه شده در کلاس وجود دارد (فریدون‌نژاد، ۱۴۰۲: ۱۲) و معلّم می‌تواند از این شیوه برای تعمیق و تنوع بخشی در کلاس درس استفاده کند.

دوم: نکته دیگری که از الگوی کاربرد کلیدواژه «حیات» می‌توان در خصوص پرسشگری استفاده کرد، بحث القای پرسش به ذهن مخاطب است. تعبیری که اشاره می‌کند «به یاد آر زمانی که ابراهیم در مورد مرگ و حیات دچار پرسش و سؤال شد»، یا داستانی که در مورد مرگ و حیات مطرح می‌شود و نقطه کانونی آن، پرسشی است که درباره مرگ و حیات می‌باشد، به نحوی الگوی القای پرسش را به مخاطب الهام می‌کند. به عبارتی معلّم

می‌تواند بر اساس این الگو، فراگیر (متربّی) را به تفکر درباره تفکر، یا ایجاد پرسش در رابطه با پرسش دعوت نماید. این امر می‌تواند به دلایل مختلف باشد. گاه ممکن است مربی پرسشی مهم را مدنظر داشته و خواهان این موضوع بوده که فراگیر (متربّی) درباره آن بیندیشد و گاه ممکن است پرسش‌هایی اساسی وجود داشته باشند که فراگیر (متربّی) به سبب غفلت یا دنیا زدگی، آن‌ها را به فراموشی سپرده، از اندیشه در مورد آن استنکاف کند؛ در صورتی که چنین پرسش‌هایی اساس تربیت بوده و هدف خلقت فراگیر (متربّی) با آن گره خورده است. پرسش در مورد حیات از همین دست پرسش‌هاست و بر اساس الگوی قرآنی، خداوند در دفعات مختلف و با شیوه‌های گوناگون آن را به آدمی یادآور می‌شود. به عبارتی خداوند پرسش مطرح می‌کند تا پرسش ایجاد کند و این القای پرسش، الگویی مناسب برای القای مفاهیم مهمّ تربیتی در کلاس درس نیز می‌تواند باشد. مشابه این الگو را سقراط در رویکرد مامایی و زایش فکر خود به کار می‌برده و از این راه به تربیت نائل می‌شده است (رمضانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۹۱).

سوم: نکته دیگر در خصوص پرسشگری، پاسخ به پرسش است. اساساً هدف طرح پرسش، رسیدن به پاسخ مطلوب است. به عبارتی در الگوی پرسشگری، پرسش‌ها نباید بدون پاسخ بمانند. این الگو در خصوص پرسش‌های مرتبط با حیات کاملاً مشهود و قابل توجه است. در محتوای داستان‌های طرح پرسش درباره حیات از جانب پیامبران، خداوند به این پرسش‌ها به دو شیوه نظری و عملی پاسخ داده است. به عبارتی پرسش در این رابطه بی‌پاسخ نمانده و اگرچه مسیر شک به عنوان گذرگاه لازم مورد توجه قرار گرفته، این شک و پرسشگری حتماً پاسخ داده شده؛ چراکه ماندن در شک امری مطلوب نمی‌باشد.

## ۶-۲. اصل پاسخ به پرسش ذهنی از طریق الگوی عینی

در بحث پاسخ به سؤال در باب حیات و مرگ، خداوند نه تنها به پرسش‌کننده پاسخ داده است، بلکه چگونگی پاسخ‌گویی به این پرسش، شایسته توجه و تحلیل برای مباحث تربیتی می‌باشد. همان‌طور که در اصل قبل اشاره شد، دو قالب کلی پاسخ‌گویی نظری و عملی در خصوص بحث حیات وجود دارد. پاسخ‌دهنده که خداوند است در برابر پرسش

انسان از امری که هیچ شناخت و شواهدی از آن ندارد و به عبارتی تنها یک الگوی ذهنی از بحث حیات در ذهن پرسش‌کننده وجود دارد، به صورت عینی و همراه با شواهدی که مشاهده‌پذیر است، پاسخ می‌دهد. این اصل که در قالب پاسخ به پرسش ذهنی از طریق الگوی عینی می‌توان از آن نام برد، بهترین و قابل فهم‌ترین نحوه پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی است که قابلیت آزمایش و مشاهده ندارند. نحوه پاسخ‌گویی خداوند به شیوه عینی نظری از طریق استدلال عقلی مشاهده‌پذیر و مثال و داستان متواتر تاریخی بوده و نحوه پاسخ‌گویی عینی عملی در قالب آوردن نشانه‌های مشاهده‌پذیر در پیرامون پرسش‌کننده می‌باشد. آنجا که خداوند بیان می‌دارد «همان کس که شما را برای بار اول پدید آورد، دگر بار نیز می‌تواند شما را حیات بخشد» (اسراء/۵۱)، به گونه‌ای استدلال منطقی است که پرسش‌کننده را دچار چالش ذهنی می‌نماید؛ چالشی که مشاهده‌پذیر بوده، انسان را به فکر وامی‌دارد. کاربرد مثال‌ها و داستان‌های تاریخی از گاو بنی اسرائیل (بنگرید به: بقره/۶۷-۷۳) یا زنده شدن پرنده‌گان و یا داستان‌هایی از این دست، گونه دیگری از پاسخ‌گویی نظری عینی به پرسش در باب حیات است.

در رویکردی دیگر، خداوند گویا به صورت عملی و در بستری آزمایشگاهی، عقلانیت مخاطب را دعوت به تفکر نموده، با زدن مثال‌هایی در باب زنده شدن زمین و گیاهان و شکافته شدن هسته و دانه (بنگرید به: یس/۳۳، حج/۵ و انعام/۹۵)، پرسش در باب حیات را از طریق مشاهده‌گری و در بستر فضای عینی، پاسخ می‌دهد. همین الگو در قالب شیوه‌های پاسخ‌گویی عینی در قالب مشاهده‌گری، فعالیت‌های آزمایشگاهی، شیوه‌های حل مسئله و دیگر رویکردهای نوین آموزشی در رابطه اثرگذار فراگیر (متربی) و معلم مورد توجه می‌باشد (شیروانی شیرازی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۶).

جمع‌بندی سخن اینکه پرسش‌های مرتبط با حیات، با دو رویکرد نظری و عملی پاسخ داده شده است. به عبارتی یا پرسش در قالب گفت‌وگو حل شده و پاسخ داده شده است و یا پرسش به صورت عملی و آزمایشگاهی جواب داده شده است؛ آنجا که خداوند به پیامبر خود می‌فرماید از هر پرنده گونه‌ای بیاور و آن‌ها را قطعه قطعه کن... (بنگرید به: بقره/۲۶) یا

داستانی که درباره زنده شدن مقتول توسط گاو ذبح شده اشاره شده است (بنگرید به: بقره/۶۷). در مورد نحوه و الگوی پاسخ به پرسش ذهنی در اصل بعدی اشاره خواهد شد. در این بخش توجه به لزوم پاسخ به پرسش و کاربرد گفت‌وگو یا فعالیت عملی و آزمایشگاهی در پاسخ به پرسش تحلیل گردید. معلّمان نیز باید در پاسخ به پرسش‌های ذهنی مخاطبان خود، این امر را در نظر داشته باشند که با نزدیک نمودن پاسخ‌ها به فرایندهای عینی، فهم موضوع را برای مخاطب آسان نمایند.

### ۶-۳. اصل شناخت و معرفت از طریق متضادها

الگویی که در وصف واژه «حیات» به کار رفته، به شیوه الگوی «تعرف الأشياء بأضدادها» که یک قاعده منطقی است، می‌باشد. این الگو که برای درک امور لازم می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۳۹۳/۲) در سه قالب توصیف و شناخت خالق مرگ و حیات، توصیف و شناخت مراتب حیات، و توصیف و شناخت دارندگان مرگ و حیات معنوی، به کار برده شده است.

در قالب نخست، در بحث شناخت خالق مرگ و حیات، از یک سو در شناخت بت‌ها اشاره شده است که «قدرت و تسلطی بر مرگ و حیات و برانگیختن پس از مرگ ندارند» (فرقان/۳)؛ یعنی از یک سو برای شناخت خالقان دروغین، از بحث حیات بهره می‌برد و از سوی دیگر صفات خداوند؛ مانند رحمت، قدرت، علم و ربوبیت را که در جدول شماره دو، در قالب شناخت صفات خداوند اشاره شده، در کنار واژه حیات بخشی برمی‌شمرد.

در قالب دیگر، شناخت دنیا و آخرت به صورت نمادین وجود دارد. به عبارتی در این بخش، از الگوی دیگری نیز استفاده شده که کلیدواژه‌های آن مانند «لهو» و «لعب» در توصیف حیات دنیوی و «حیوان» در توصیف حیات اخروی (بنگرید به: عنکبوت/۶۴)، اشاره به سبک شناخت قرآن در توصیف نمادین مراتب حیات برای انسان دارد. منظور از توصیف نمادین در مورد حیات این است که به جای کاربرد کلیدواژه‌های توصیفی مستقیم، از کلیدواژه‌های توصیفی جایگزین که برای توصیف امور دیگر مانند بازی می‌باشد، استفاده شده است.

در قالب بعد هم، شناخت دارندگان حیات واقعی و کسانی که چنین حیاتی را ندارند و مانند مردگان می‌مانند، ترسیم شده است. ابتدا این پرسش مطرح می‌شود که «و زندگان و مردگان یکسان نیستند» (فاطر/۲۲)، سپس توصیف تفاوت این دو گونه حیات در قالب آیاتی دیگر ترسیم می‌گردد: «مرده بود و ما او را [به وسیله هدایت و ایمان] زنده کردیم» (انعام/۱۲۲). آنچه در این اصل می‌تواند به عنوان الگوی عملی و راهبردی برای وظایف معلّمی مورد استناد قرار گیرد، این است که معلّم از یک طرف باید برای دستیابی به شناخت عمیق‌تر و کاربردی‌تر، از الگوی شناختی توصیف متضادها بهره‌برد و از طرف دیگر به جای تربیت و شناخت به شیوه مستقیم و توصیف نظری صرف، از الگوهای نمادی از رهگذر کاربرد کلیدواژه‌های جایگزین استفاده نماید.

#### ۶-۴. اصل توجه‌دهی به مراتب حیات و ابعاد موضوعات

آگاهی نداشتن نسبت به ابعاد یک موضوع، سبب بی‌توجهی به آن خواهد شد. وقتی انسان مرگ و حیات را تنها در الگوی مرگ و حیات مادی و جسمی ببیند، یقیناً از دیگر ابعاد مرگ و حیات غافل خواهد بود. تعبیر قرآن در باب توصیف حیات که شامل ابعاد مادی، اجتماعی، معنوی و عقلی می‌باشد، نشان از گستره حیات و مرگ در ابعاد مختلف دارد، همان‌گونه که در مقابل حیات در این بخش‌ها، از مردگانی که نور معنوی در زندگی ندارند یا نمی‌اندیشند و حیات عقلانی ندارند، سخن به میان می‌آورد. در همین راستا معلّم می‌باید ابتدا برای امر تربیت، خود به شناخت ابعاد و مراتب حیات اشراف لازم را داشته باشد و مخاطب تربیت را به ابعاد حیاتمندی انسان متذکر شود و از طرف دیگر در امر آموزش نیز برای تعمیق شناخت، به ابعاد و گونه‌های یک موضوع اشراف کافی و لازم را داشته باشد تا بتواند به شکل کامل یک پدیده را برای مخاطب تربیتی ترسیم نماید. در همین راستا، «گونه‌شناسی» (سنخ‌شناسی) به عنوان روشی که در نظریه‌پردازی‌ها و تحقیق‌های اندیشمندان به کار رفته است، به مثابه روشی برای تبیین و تولید مفاهیم در تحقیقات نظری و حتی کاربردی استفاده می‌شود (لطیفی، ۱۳۹۷: ۲۵). علاوه بر توجه به گونه‌ها و ابعاد یک موضوع، معلّم باید از طریق روش‌های دعوت به ایمان، دعوت به

تفکرورزی و الگوهای خلاق فکری و همچنین تعلیم آداب اجتماعی و تبیین لزوم و حکمت این آداب و احکام و دیگر احکام اجتماعی، مخاطب تربیت را برای آشنایی و زیستن در حیات معنوی (طیبه)، حیات عقلی و اجتماعی آماده نماید. به عبارتی معلّم هم خود جامع الاطراف است و هم فراگیر (متربّی) را در نگاه و عمل، جامع الاطراف تربیت می نماید و این موضوع در همه زمینه ها سرایت دارد.

توضیح بیشتر آنکه در راستای کاربردی نمودن اصل فوق در تعلیم و تربیت رسمی باید دانست که «توجه دهی به مراتب حیات» در نظام تربیتی مبتنی بر قرآن، ستون فقراتی است که از تقلیل گرایی حیات انسان به صرف بُعد مادی و از غفلت معرفتی نسبت به ظرفیت های وجودی انسان جلوگیری می نماید. تبیین این اصل از منظر قرآنی، نه تنها یک دسته بندی نظری، بلکه یک نقشه راه برای تحقق «حیات طیبه» است؛ حیاتی که در مقابل مرگ معنوی و رکود عقلی قرار می گیرد. وظیفه معلّم در این میان دوگانه است: نخست، اشراف وجودشناختی؛ یعنی معلّم خود باید با آگاهی کامل از این مراتب (همانند یک نقشه بردار)، تفاوت حیات جسمانی و حیات عقلی/معنوی را درک کند تا بتواند درک صحیحی از نقص انسان فاقد نور هدایت داشته باشد. دوم، پیاده سازی روش شناختی؛ بدین منظور، استفاده از «گونه شناسی» (سنخ شناسی) تنها یک روش پژوهشی نیست، بلکه ابزاری تحلیلی است که معلّم را قادر می سازد تا مفاهیم پیچیده حیات را در قالب گونه های متمایز (مثل انواع تفکر، یا ابعاد مختلف اجتماع) به مخاطب عرضه کند. دعوت به ایمان و تفکرورزی، و تعلیم آداب اجتماعی، به عنوان راهبردهای عملی، درواقع تلاشی آگاهانه برای «فعال سازی» مراتب عقلی و معنوی انسان است که بدون این توجه چندوجهی، آموزش به سطحی ترین لایه حیات (مادی و حفظیات) تقلیل یافته و از هدف اصلی خود که همان تکامل تمام عیار انسان است، باز خواهد ماند.

## ۵-۶. اصل لزوم نیت مندی و هدفمندی هر لحظه حیات

در قرآن کریم به پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «بگو: زندگی کردن و مرگم برای خدا پروردگار جهانیان است» (انعام/۱۶۲). به عبارتی کلّ حیات ایشان با نیت الهی و در راستای رضایت

الهی بوده است. این امر بر خلاف تصور نادرست رایج می‌باشد که فقط می‌توان اعمال عبادی و دینی را برای خداوند انجام داد. از طرف دیگر خداوند درباره هدفمندی حیات و مرگ می‌فرماید: «خدایی که مرگ و زندگانی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدامتان نیکوکارتر (و خلوص اعمالش بیشتر) است» (ملک/۲). به عبارتی معلّم در الگو و اصول تربیتی خود باید به این موضوع واقف باشد که می‌توان برای تک‌تک لحظات عمر انسانی، از نفس کشیدن تا عمل کردن، نیت‌مندی و هدفمندی را تعریف و تبیین نمود. این امر در قالب پرسش «از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود» به کلّ مسیر حیات و امر تربیت قابل سرایت است. تبیین چنین اصلی برای مخاطب تربیت نه تنها سبب معنادار و ارزشمند نمودن کلّ حیات او خواهد شد، بلکه روند تعلیم و تعلم معلّم را اثربخش‌تر و عمیق‌تر خواهد کرد. به عبارتی زمانی می‌توان از سیر معنادار آموزش و تربیت سخن به میان آورد که معناداری در نقطه آغاز و افق نهایی آن ترسیم شده باشد و این جز با تبیین این موضوع میسر نمی‌گردد. همچنین توجه و تأمل در این مسئله که مسیر حرکت انسان با مبدأ و مقصد او ارتباطی مستقیم دارد، ضروری است؛ از این رو انسان باید نسبت به آغاز و انجام این مسیر توجه ویژه داشته باشد.

در اصل «لزوم نیت‌مندی و هدفمندی هر لحظه حیات»، مقصود، اشاره به دو بُعد درهم‌تنیده الگوی تربیت قرآنی است؛ بعد درونی و بعد بیرونی حیات انسانی. نیت، بیانگر جهت‌گیری ضمیر و انگیزه انسان در عمل است؛ یعنی «چرا و برای چه» زندگی می‌کند؛ در حالی که هدف، نمود بیرونی و مسیر تحقق همان جهت‌گیری در عرصه رفتار و تربیت است؛ یعنی «به کجا می‌رود». در آیه «زندگی کردن و مرگم برای خداست»، نیت فراگیر در سراسر وجود انسانی معرفی می‌شود، و در آیه «شما را آفرید تا بیازماید که کدامتان نیکوکارتر است»، جهت‌مندی هدف حیات تبیین می‌گردد. به این ترتیب، قرآن حیات را فرایندی یگانه می‌داند که نیت و هدف، همچون دو روی یک حقیقت، در تعامل و تأثیر متقابل‌اند؛ نیت بی‌هدف گرفتار بی‌عملی است و هدف بی‌نیت دچار بی‌معنایی. در حوزه تعلیم و تربیت نیز معلّم و فراگیر (متربی) زمانی به تربیت معنادار دست می‌یابند که نیت درونی

(اخلاص در انگیزه تربیتی) با هدف بیرونی (تحقق رشد و تعالی انسان) هماهنگ گردد؛ بنابراین، نزدیکی و هم‌زمانی بحث نیت و هدف در این اصل، تأکید بر پیوستگی آن‌ها در الگوی حیات قرآنی است؛ الگویی که هر لحظه از زیستن را حلقه‌ای از زنجیره معنا و مقصد الهی می‌بیند.

## ۷. تحلیل اصول استخراج شده

با توجه به اصول ذکر شده در مقاله حاضر و برای تبیین تمایز رویکرد تعلیم و تربیتی قرآن کریم، به ویژه از منظر نکات استخراج شده از کلیدواژه «حیات»، باید اذعان نمود که در نظریه‌های تعلیم و تربیت غربی، بنیان تربیت عموماً بر رشد فردی، تحقق «خود» و پیشینه‌سازی توانمندی‌های انسانی در بستر اجتماعی و تجربی استوار است (عابدی، ۱۴۰۳)؛ اما در نگاه قرآنی، مبنای تربیت بر مقصدی فراتر از انسان مادی بنا شده و هدف نهایی آن، اتصال حیات به سرچشمه الهی است. هنگامی که قرآن از حیات سخن می‌گوید، تنها مفهوم زیستن فیزیولوژیک یا روان‌شناختی مراد نیست، بلکه حیات ذومراتب است؛ از حیات جسمانی تا حیات عقلانی، اخلاقی و طیبه. تربیت در چنین منظری تنها آماده‌سازی انسان برای زیستن بهتر در جامعه نیست، بلکه فرایند بیدارسازی او نسبت به حقیقت حیات و غایت آن است. از این زاویه، اصولی مانند پرسش ذهنی، پاسخ عینی، شناخت از طریق اضداد و توجه به مراتب حیات، همگی منظومه‌ای را می‌سازند که تعلیم و تربیت را از سطح تجربه‌گرایی یا سودمندی صرف در دیدگاه‌های غربی، به سطح وجودشناختی و غایت‌مدار ارتقا می‌دهد؛ جایی که یادگیری نه تنها انتقال دانش، بلکه تجدید حیات معرفتی و معنوی انسان است.

روش‌های تربیتی در سنت‌های فلسفی و روان‌شناسی غرب، حتی در رویکردهای نوینی مانند تربیت انتقادی یا انسان‌گرایی، نهایتاً بر تجربه و تعقل انسانی مستقل از منبع قدسی تکیه دارد (همان)؛ حال آنکه قرآن در نظام تربیت مبتنی بر حیات، پیوند میان تفکر، ایمان و مشاهده عینی را بنیان تجربه آموزشی قرار می‌دهد. انسان فراگیر (متربی) در این نظام تنها به پرسشگر و آزمونگر تبدیل نمی‌شود، بلکه در بستر هدایت الهی به پاسخ‌یاب معنوی بدل

می‌گردد؛ پاسخی که هم «قابل دیده شدن» است و هم «قابل زیستن». بدین ترتیب، تربیت قرآنی با تأکید بر شناخت متضادها و نیت مندی لحظه به لحظه حیات، الگوی آموزشی‌ای عرضه می‌کند که در آن شک و پرسشگری، مقدمه یقین است و تجربه آزمایشگاهی مقدمه دل‌آگاهی. این پیوند میان عقل و ایمان، پرسش و یقین، و ماده و معنا الگویی است که در نظریه‌های غربی کمتر مورد توجه قرار گرفته و بر همین اساس، آموزه‌های قرآنی در باب «حیات»، چشم‌اندازی نو و وحدت‌نگر از آموزش و تربیت انسان ارائه می‌کند؛ نگاهی که «حیات» را نه تابع زیست‌شناسی، بلکه محور رشد همه جانبه انسان در مسیر الهی می‌داند.

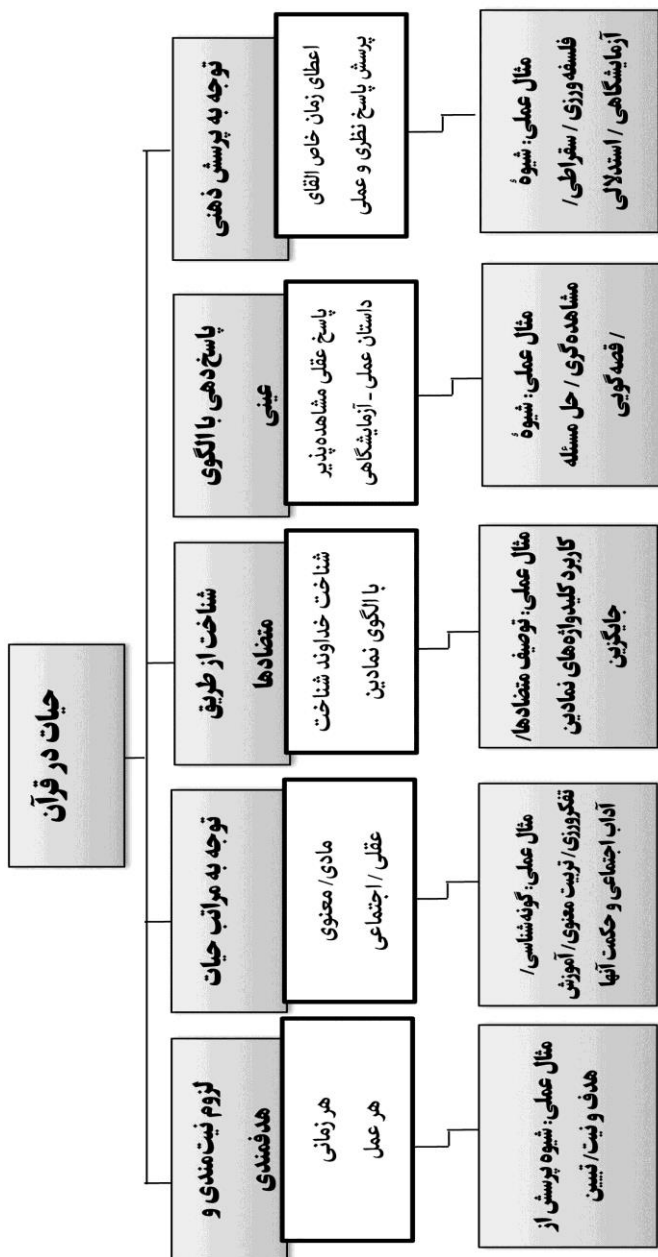
## ۸. نتیجه‌گیری

پاسخ به پرسش اول تحقیق؛ یعنی «الگوی نظری و مفهومی کلیدواژه حیات در قرآن چیست؟» مبین آن است که الگوی نظری واژه «حیات» در قالب شش دسته «مراحل حیات» (پیش از دنیا، دنیا، برزخ، آخرت)، «مراتب حیات حقیقی» (مادی، معنوی، عقلی، اجتماعی)، «راه شناخت حیات» (داستان، عناصر مادی، استدلال منطقی)، «عوامل حیات بخش» (مادی، معنوی)، «ویژگی‌های حیات» (عمومی، دنیا، آخرت) و «ثمرات دقت در حیات» (شکرگزاری، ایمان، اندیشه‌ورزی، شناخت صفات خداوند) قابل تقسیم‌اند که هر دسته به زیرمجموعه‌های جزئی‌تر تقسیم می‌شود.

پاسخ به پرسش دوم تحقیق؛ یعنی «بر اساس الگوی نظری و مفهومی حیات در قرآن، چه اصول آموزشی و تربیتی را در حرفه معلّمی می‌توان استنباط کرد؟» مبین پنج اصل آموزشی و تربیتی و زیرشاخه‌های آن‌ها می‌باشد که در قالب نمودار زیر قابل ترسیم و توصیف است.

نمودار شماره ۳: تبیین تأثیر واژه حیات در اصول آموزشی و تربیتی حرفه معلمی

(اصول مستخرج/ نکات مربوط به هر اصل/ مثال عملی برای هر اصل)



آنچه در این رابطه اهمیت ویژه دارد، این موضوع است که اصول آموزشی و تربیتی حرفه معلّمی در فرایندی معتبر مورد استخراج و سنجش قرار گیرد. به عبارتی اگر قرار است برای فرایندهای تربیتی، مبانی خاصی وجود داشته باشد، یقیناً این امر باید بر اساس معیارهایی صورت گیرد که جنبه همه جانبه نگری در آن با توجه به ویژگی های انسان و خلقت او قابل تعریف باشد. حتی در کاربرد الگوهای روزآمد علمی و کاربرد نظریات رقیب، محک مبانی قرآنی می تواند به عنوان ابزاری برای صحت سنجی این مطالب و فیلتری مناسب برای کاربرد نظریات علمی مورد استفاده قرار گیرد. کلیدواژه «حیات» به عنوان یکی از کلیدواژه های پرتکرار که با خلقت انسان و دوران تربیت و تکامل او گره خورده است، از جمله الگوهایی است که نه تنها فهم ابعاد آن برای معلّمان سودمند است، بلکه استخراج این ابعاد در قالب الگوی مفهومی و نظری می تواند برای اصول آموزشی و تربیتی دارای راهکارهای عینی و عملیاتی باشد. بر همین اساس و به منظور غنا بخشیدن به تحقیق حاضر، پیشنهاد می شود در ادامه تحقیقات نظری به این سبک، دیگر کلیدواژه های مرتبط با مفهوم حیات؛ مانند مرگ و خلقت نیز بررسی شود و با تبیین الگوی نظری و مفهومی کامل تر، اصول تربیتی و آموزشی آن ها استخراج گردد. همچنین پیشنهاد می شود دیگر کلیدواژه های قرآنی بر اساس این الگو تبیین و بررسی گردند.

## منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفکر، بیروت، ۱۳۷۵ق.
۲. حاجی ده آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم، ۱۳۹۸ش.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دار القلم - دار الشامیه، بیروت - دمشق، ۱۴۱۲ق.
۴. رمضان، فاطمه و همکاران، «جستاری در ویژگی های سقراط در جایگاه معلّمی الهام بخش»، مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، شماره (پیاپی) ۳۱، ۱۴۰۱ش، ص ۴۸۸-۵۲۱.
۵. سلمانپور گمچی، اباذر، بخشعلی قنبری و محمدرضا عدلی، «حیات معنوی از دیدگاه قرآن و اندیشمندان اسلامی»، بهارستان سخن، شماره (پیاپی) ۵۵، بهار ۱۴۰۱ش، ص ۱۱۵-۱۳۸.

۶. شیروانی شیرزی، علی و همکاران، «تحلیلی بر مسئله رابطه بین فراگیر و معلم با تأکید بر رویکردهای نوین آموزشی»، آموزش پژوهی، شماره ۵ (۱۹)، ۱۳۹۸ ش، ص ۳۰-۴۶.
۷. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۸. عابدی، فاطمه، «بررسی و مقایسه مبانی جهان‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی با غرب»، ۱۴۰۳ ش، <https://civilica.com/doc/1947576>.
۹. عباس‌آباد عربی، مریم و همکاران، «بررسی مفهوم و مصادیق حیات در قرآن و حکمت متعالیه»، حکمت معاصر، شماره ۱۲ (۱)، بهار و تابستان ۱۴۰۰ ش، ص ۱۳۹-۱۶۱.
۱۰. فریدون نژاد، مژگان (۱۴۰۲)، «معرفی برنامه فلسفه برای کودکان و بررسی اثربخشی آن بر آموزش و پرورش کودکان»، مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، شماره (پیاپی) ۱۵، ۱۴۰۲ ش، ص ۱-۲۰.
۱۱. کریم‌پور قراملکی، علی، «بررسی مبانی قرآنی حیات طیبه»، تفسیرپژوهی، شماره (پیاپی) ۲۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ ش، ص ۲۸۲-۳۰۶.
۱۲. کیایی، فاطمه، «تبیین مؤلفه‌های کانونی حیات در آیات ۱۶۹ و ۱۷۰ سوره آل عمران مبتنی بر قرینه انسجام»، دین و دنیای معاصر، شماره (پیاپی) ۱۶، بهار و تابستان ۱۴۰۱ ش، ص ۱۹۱-۲۱۲.
۱۳. لطیفی، میثم، «روش‌شناسی گونه‌شناسی: رهنمونی بر نظریه‌پردازی در دانش مدیریت»، مطالعات مدیریت دولتی ایران، شماره ۲۱ (۲)، ۱۳۹۷ ش، ص ۲۵-۵۲.
۱۴. معروفی، یحیی و محمدرضا یوسف زاده، تحلیل محتوا در علوم انسانی، سپهر دانش، همدان، ۱۳۸۸ ش.
۱۵. مؤمنی‌راد، اکبر، «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج»، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، شماره ۴ (۱۴)، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۲۲-۱۸۷.
۱۶. میرزایی، نجفعلی، فرهنگ اصطلاحات معاصر عربی-فارسی، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۸ ش.
17. Corbin, J. & Strauss, A (1990). Grounded Theory Research: Procedures, Canons, and Evaluative Criteria Qualitative Sociology 13(1), 3-21.
18. Charmaz, K. (2014). *Constructing grounded theory* (2nd ed.). SAGE Publications.
19. Langdridge, D (2007). Phenomenological psychology: Theory, research and method. London: Person Education Limited.
20. Jensen, Klaus Bruhn & Jankowski, Nicholas (2002). A handbook of qualitative methodologies for mass communication research. London: Routledge.
21. Mayring, Philipp (2014). Qualitative content analysis: Theoretical foundation, basic procedures and software solution. <http://nbn-resolving.de/urn:nbn:de:0168-ss0ar-395173>.